

بیان نکاتی در جمع مدیران و معاونان حوزه های علمیه استان فارس

۵ شهریورماه ۱۴۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحَجَّةِ ابْنِ الْحَسَنِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

اللهم صل على محمد و آل محمد و اهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم

من از مثالی استفاده می کنم و مطلبی را می خواهم از آن استخراج کنم و آن مثال آش سبزی شیراز هست که گاه این آش در شیراز درست می شود با آن کیفیت عالی و انسجام مواد آن و گاه خانم ها در سالهای اول و دوم ازدواجشان درست می کنند که هر موادی از آن جدا از هم است و طعمی هم ندارد؛ همین جریان و برخورد را هم ما با دین داریم.

برخی ها وقتی می خواهند تفسیر قرآن کنند و یا دین را بیان کنند و یا در فقه مطلبی بگویند مثل همان آش پز شیراز کار را به صورت سیستماتیک و نظام وار در می آورند به طوری که همه اجزای دین به هم می چسبد و مطبوع هم هست اما برخی وقتها دین را ما مثل همان خانم سال اول ازدواج برخورد می کنیم ؛ یعنی نوع نگرش و بیان ما نامطبوع است ، اصلا سیستمی در ترسیم مطالب و توجیه و تبیین آن نیست ؛ این جا رسالتی که روی دوش من و شما می آید، این است که کاری بکنند، این دین به صورت نظام حلقوی و هرمی فرض شود.

امام صادق علیه السلام مطلبی فرمودند و گفتند: برای من آمدند و از کیفیت تفسیر شخصی گفتند و تعریف کردند و مردم گفتند: شخصی آمده و در یکی از مساجد مدینه تفسیر قرآن می گوید و کذا و کذا؛

امام صادق فرمودند من صورت خود را پوشاندم و رفتم بروم ببینم این شخص کیست

این جریان ذیل تفسیر انما يتقبل الله من المتقين در تفسیر نورالثقلین آمده است ...

امام فرمودند : من دیدم این شخص سوال همه را جواب داد و وقتی همه از اطراف او پراکنده شدند به یک انار فروشی رفت، دو تا انار برداشت و پول هم نداد و کنترل هم کرد که صاحب انار فروشی نفهمد و رفت نانواپی و در یک فرصت از غفلت نانوا هم استفاده کرد و دو تا نان هم برداشت ، آمد و رفت در بیابان و در یک خرابه و یک نابینایی و مفلوکی گوشه ای افتاده بود ؛ هر دو نان و انار را که آورده بود به این فقیر داد و خودش هم از این ها برنداشت و دست نزد.....

امام علیه السلام فرمودند : من دیگر از دست این شخص حوصله ام سر رفت و به او گفتم : فلانی ! من از در مسجد تو را دنبال کردم و تو این کارها را کردی، سوال این است که فلسفه این کار تو چه بود؟

این شخص هم گفت: تو که هستی؟

امام فرمودند من از امت محمد هستم ...

از امام می پرسد: لعلک جعفر بن محمد؟

شاید از صدا و لحن صدا هم فهمیده بود... به هر حال امام علیه السلام تایید کردند. به اما عرض کرد: این فضل و شرف نسبی که شما دارید به چه دردتان میخورد، در حالی که نمیدانی چرا من این کار را کردم ؟

امام هم در جواب میفرمایند : بالاخره من می خواهم دلیل کار تو را بدانم چه اشکال دارد برایم توضیح دهی؟

به امام می گوید : من این کارها را بر اساس این آیه کردم:

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

من دو تا نان برداشتم دوتا انار برداشتم و چهار سیئه انجام دادم و هر چهار تا را صدقه دادم و سی و شش ثواب برای من ماند ...

امام وقتی این توجیه و برهان را آورد به او فرمودند: خدا مرگت دهد ، ثکلتک امک!..... که دین را این طوری فهمیدی ...

آیا نشنیدی این آیه را : انما يتقبل الله من المتقين ...

من این کار شخص را تعبیر می کنم به فهم اتمیک و جزیره ای و سلولی از دین یعنی بدون انسجام و ارتباط کلی مطالب به یکدیگر و بدون نظام و کلیت واحد ... که نمی تواند شخص یک استنباط و استنتاج کلی و پیوسته ای از دین ارائه دهد و یا فهم کند.

اما فهم امام علیه السلام یک فهم سیستمی است ؛ یعنی در یک نظام قرار میدهند ؛ من جاء بالحسنة و من جاء بالسئته را می آورند کنار انما يتقبل الله من المتقين و یک فهم صحیحی از دین را ارائه میدهند

.....

ما یک مشکلی که داشتیم در خصوص نهادهای قانونگذار در این مدت چهل سال ، این که این ها نگاهشان به دین یک نگاه سیستمی نبوده است اصلا قبول نداشتند و یک نگاه اتمیک و یک نگاه وصله - پینه ای به دین داشتند؛ لذا قوانین بانکداری ما این است! قوانین خانواده ما این است!

به نظر من کاری که شما بزرگواران باید انجام دهید (البته من حیث استادی و جهت دهی را مدنظر قرار می‌دهم) از ظرفیتهای استفاده شود از ظرفیت حوزه‌های استان فارس که دین از این زاویه تبیین و تفسیر شود یک نگاه نظام وار و سیستمی نه جزیره ای و اتمیک.

این گونه اجزای دین به هم پیوستگی خاصی می‌یابد و فهم آن هم از مخاطب قابل قبول تر خواهد بود .

نکته دیگر این که کار شما کار عظیمی است اگر در سایه سار فعالیت شما ، کار طلاب تسهیل شود، اگر باعث شود این استعدادها فرسایش پیدا نکند؛ بسیار ارزشمند است ؛

ما امروزه مساله ای که داریم فقط فرار مغزها نیست؛ بلکه فرسایش مغزها نیز است؛ به این معنا که دانشجویان یا طلبه ما از کشور هم نرفته است و همین کشور مانده اما دارد استعدادهای او فرسایش می‌یابد.

کار شما ونحوه عملکرد شما می‌تواند باعث فرسایش بیشتر این شخص شود و یا این که شما با خیلی از راهنماییها و هماهنگیها مانع از این فرسایش شوید. باید این را مد نظر قرار دهید و مطابق آن برنامه داشته باشید به این شکل در واقع شما فقط خودتان رشد نمی‌کنید بلکه افراد دیگر را هم رشد می‌دهید.

تمام علمای بزرگ ما حاصل تبلیغ طلبه‌هایی هستند که در ظاهر به آن‌ها ربطی و نسبتی هم نداشتند .

شما فاضل و استادی و کارتان بسیار کار بزرگی است .

ممکن است مدعی شوید: کسی قدرشناسی نمی‌کند ؛ قدرشناس امام زمان علیه السلام باید باشند که هستند.

درست است که قانون گاه دست انسان را می‌بندد، اما روی گشاده هم گاه حلال بسیاری از مشکلات است.

اگر یک مشکلی را از یک طلبه ای حل کنید با هیچ چیز قابل قیاس نیست؛

من هفت - هشت ماه بیشتر شیراز نبودم اما این مدت با خود شهید دستغیب مرتبط بودم به منزل ایشان میرفتم ...

واقعا آن هفت - هشت ماه برای بنده در محضر ایشان بسیار مشوق بود .

ایشان هیچ زمانی احساس تادی نداشت از این که وقت زیادی گاه محضرشان بودم و این جالب بود برای بنده ...

نوع برخورد بسیار مهم است...

نکته دیگر این که اصلی ترین مشکل طلاب این است که قدرت ارتباط با تراث را ندارند.

من هفت سال مدرس مرکز تخصصی تفسیر بودم ، طلبه ای ممکن است دکترای تفسیر را بگیرد اما نمی تواند با مجمع البیان ارتباط برقرار کند. یا کشف یا جوامع الجامع را نمی تواند ارتباط بگیرد و یا مفاتیح الغیب فخر رازی را نمی تواند بفهمد ...

دلیل این عدم توانایی ارتباط با تراث بر می گردد به این که پایه ضعیف است.

الان این مشکل در بین طلاب تخصصی فقه و اصول هم هست که نمی توانند با تراث و با کتب گذشتگان ارتباط داشته باشند..

سوال این است که با چاپ بسیاری از کتب جدید که به نوعی رنگ و بویی از نوآوری را دارد، آیا این ارتباط تقویت می شود یا تضعیف می شود؟!

از این جهت باید روی این مسائل فکر و برنامه داشته باشید که وقتی طلبه شما به قم می آید، واقعا راحت قدرت ارتباط با تراث را داشته باشد.

امیدواریم انشالله خداوند توفیق دهد و هدایت به وظیفه امان کند .